این زنان را بد کنید در خانها صحیح اقوال آنست که در اول اسلام حکم عقوبت زنان زناکار آن بود که ایشان را در خانها محبوس میکردند حتی
یتوفیهن الموت تا وقتی که متوفی سازد ایشان را ملک الموت او یجعل الله لهن سبیلا یا گرداند خدای تعالی پیدا و آشکارا سازد برای ایشان
راهی یعنی پیدا و آشکار حدی تعیین فرماید که از حبس خلاص یابند و بعد از آن وحی فرود آمد و سید عالم صلعم فرمود که فرا گیرید از من قد جعل الله لهن سبیلا
صحابه متوجه شدند که آن راه کدامست خواجه عالم صلعم فرمود که الثیب بالثیب الرجم والبکر بالبکر مائة جلدة و تغریب عام پس بحکم این حدیث امساک در بیوت
منسوخ شد و اشهاد و استشهاد باقی ماند واللذان یأتیانها منکم و آن دو کس یعنی دو مرد و زن که غیر محصن باشند بیایند بفاحشه از شما که از مسلمانان
آزاد اند فآذوهما پس برنجانید ایشان را بزبان و سرزنش کنید و ملاحت و ابن عباس رضی الله عنه فرموده که ایشان را نیز بدست ایذا باید کرد فان تابا
واصلحا پس اگر توبه کنند از آن فاحشه و کار خود را بصلاح آرند فاعرضوا عنهما پس شما روی بگردانید از ایشان یعنی دست از ایذاء ایشان باز
دارید این حکم نیز بحکم جلد و نفی منسوخ شده ان الله کان توابا رحیما بدرستی که خدای تعالی است توبه پذیرنده از بندگان مهربان بر توبه کنندگان
انما التوبة علی الله جز این نیست که قبول توبه بر خدای تعالی است نه بر طریق وجوب بلکه از روی وعده که بر رحمت خود فرموده که خلق در آن متصور نیست
و وعده قبول توبه للذین یعملون السوء بجهالة برای کسانیست که میکنند بدی بنادانی و میاطی گفته که گناه مؤمن بجهالتست یعنی نه از روی شک و عناد
و جحود و استکبار و میشاید که جهل باشد بعقوبت آن یا آن جهل عملها بد میکنند ثم یتوبون من قریب پس بازگشت مینمایند بحق تعالی از زمان
نزدیک یعنی پیش از حضور موت یا نظر بملک الموت یا در زمان صحت یا پیش از آنکه دوستی از گناه در دل متمکن شود و اصح اقوال آنست که زمان
قریب پیش از مرگست و اگر چه بمقدار فوق نافه باشد و در عین المعانی آورده که یابی را که پیش از موت یک نفس توبه کند بلکه بطریق استحسان میگویند
که چه زود آمدی و چه خوش مسارعت نمودی و مؤید این قولست آنکه حضرت سید عالم صلعم فرمود که ان الله یقبل التوبة عبده ما لم یغرغر بندگان گفته اند
که چون وقت حلول اجل نزول مرگ معلوم نیست پس هر نفس را دم آخر متصور باید کرد و از حضرت او غافل نباید شد بیت غافل مشو ای عاصی
با درد بدم باش هر دم دم آخر مشمر و حاضر دم باش اولئک پس آن گروه که مدد توفیق یافته اند بعد از گناه توبه کردند یتوب الله علیهم
توبه دهد خدای تعالی و باز گردد بمغفرت بر ایشان وکان الله علیما حکیما و هست خدای تعالی دانا بتوبه تایبان حکم کننده آنچه تایب را بتوبه
نباشد ولیست التوبة و نیست قبول توبه للذین یعملون السیئات مر آنکسانی را که بطریق اصرار بدیها میکنند حتی اذا حضر احدهم الموت تا چون حاضر شود
یعنی برسد یکی از ایشان بموت قال انی تبت الآن گوید بدرستی که من توبه میکنم اکنون این سخن در شان توبه منافقان است و توبه
ایشان اسلام باشد بحسب باطن و این صورت در وقت معاینه مرگ از ایشان قبول نیست والذین یموتون و نه توبه مقبولست مر آنها را که بمیرند وهم
کفار و حال آنکه ایشان کافران باشند یعنی در وقت راندن روح توبه از هیچ کافر و منافق قبول نیست زیرا که ایمان یاس است و آن سودی ندارد
فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا اولئک آن گروه که منافق باشند و آنها بکفر بمیرند اعتدنا لهم آماده ساخته ایم برای ایشان در آخرت
عذابا الیما عذابی دردناک که تخفیف و انقطاع نداشته باشد آورده اند که رسم جاهلیت چنان بود که چون یکی وفات کردی و زوجه از وی باز
ماندی پسران متوفی که از زنی دیگر بودند یا کسی که از اقربا که استحقاق میراث داشتی بوقت مصیبت جامه بر سر آن زن انداختی و او را باین عمل تصرف
خود در آوردی پس اگر خواستی بهمان کابین که متوفی مقرر کرده بود او را بنکاح در آوردی و الا بشوهری دادی و مهر موصل او خود تصرف کردی

نزدیک منع

نزدیک منع کردی و محبوس داشتی تا هر میراث که از متوفی باو رسیده بودی بآن کس گذاشتی یا بمردی و میراث او بکس دادی و اگر این زن قبل از القاء ثوب
بر دیا اهل خود پیوستی ارث زوج متوفی را بر او دست نبودی و در اول اسلام همین قانون رعایت کردندی تا وقتی که ابو قیس انصاری وفات یافت
و زنی کبیسه نام از وی باز ماند پسر ابو قیس که از زنی دیگر بود و کبیسه را تحت تصرف در آورده با وی معاشرت آغاز نهاد و غرضش آنکه آنچه از وی
بدو دهد او صورت حال بعرض حضرت سید ابرار علیه صلوات الله رسانید خواجه عالم صلعم فرمود که بخانه باز گرد و پای انتظار در دامن اصطبار کش تا از حضرت
عزت چه فرمان رسد گفته باز گردید و بعضی دیگر از زنان مدینه که باین درد مبتلا بودند روی بدرگاه نبوت مآب آوردند گفتند یا رسول الله کلنا
کبیسه ما همه بدستور کبیسه جام زهر آلود این بلیه چشیده ایم و لباس محنت طراز این قضیت پوشیده ایم حق تعالی این آیه از روی رأفت
فرستاد که یا ایها الذین آمنوا ای گروه مؤمنان لا یحل لکم روا نیست شما را ان ترثوا النساء کرها که میراث گیرید زنان را از روی نا ملایمت
و کراهیت ایشان و تقیید میراث گرفتن بکره دلالت بر آن نمیکند که بطوع و رغبت ایشان ایشان را میراث توان گرفت بجهت آنکه تخصیص شیء بذکر
دلالت بر نفی ما عدا نمیکند قوله تعالی و لا تقتلوا اولادکم خشیة املاق چه قتل در وقت عدم خشیت هم جایز نیست ولا تعضلوهن و منع مکنید
این زنان را از تزویج و گفته اند خطاب با مردانست که از زنان خود بتنگ آمده برای آنکه تا از سر مهر در گذرد ایشان را در خانه باز داشتندی
حق تعالی میفرماید که زنان را محبوس سازید و باز مدارید لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن برای آنکه ببرید بعضی را از آنچه بایشان داده اید از مهر
الا ان یأتین بفاحشة مبینة مگر آنکه بیایند بعملی زشت روشن کرده شده بشهود عدول و حفظ بکسر یا خوانده یعنی فاحشه روشن کننده
حال ایشان را فاحشه درین آیه نشوز است یعنی چون سر باز زند از صحبت مرد مرد را روا بود که از وی خلع گیرد و گفته اند فاحشه زنا است و حکم آن در ابتدای
اسلام یا در جاهلیت استرداد صداق زانیه بوده و حال این منسوخ است وعاشروهن بالمعروف و زندگانی کنید با زنانی که مرتکب فواحش
نشده باشند بقول و فعل و نفقت و سکنی تا بیاموزید ایشان را احکام و آداب شریعت که هیچ نیکوی بهتر ازین نیست فان کرهتموهن
پس اگر ایشان کاره باشند شما صبر کنید فعسی ان تکرهوا شیئا پس شاید که شما کاره باشید چیزی را ویجعل الله فیه خیرا کثیرا و گرداند خدای تعالی
و پدید آرد برای شما در آن چیز نیکویی فراوان یعنی ثواب عظیم بر تحمل مکاره وان اردتم و اگر خواهید شما بواسطه کراهیت از صحبت زنان
بی وقوع نشوز و فاحشه از ایشان استبدال زوج مکان زوج طلب بدل کردن زنی بجای زنی دیگر وآتیتم احدیهن قنطارا و داده باشید یکی از ایشان را
که داعیه طلاق دادن او دارید مالی بسیار بجهت کابین فلا تأخذوا منه شیئا پس فرا مگیرید از آنچه بایشان داده اید چیزی را نه اندک
و نه بسیار اتأخذونه آیا میگیرید چیزی از آن زن بهتانا و اثما مبینا بباطل و ستم و جرمی ظاهر و گناهی هویدا بهتان را نیز در قول
باطل استعمال میکنند و معنی بهتان درین آیه آنست که شوهر مهری از برای زن فرض کرده و بر آن گواه گرفته چون استرداد آن میکند گویا
مدعا او آنست که آن مهر فرض نکرده و این بهتان صریحست وکیف تأخذونه و چگونه و بکدام وجه و بچه جهت فرا گیرید مال را از زنان وقد
افضی بعضکم الی بعض و حال آنکه رسیده است از شما ببعضی افضی کنایه از مباشرتست واخذن منکم میثاقا غلیظا و فرا گرفته اند از آن زنان از شما
در وقت عقد پیمانی و محکم و عهدی استوار که آن کلمه نکاحست یعنی ایجاب و قبول و در حدیث آمده که استرضوا بالنساء خیرا فانهن عوان
فی ایدیکم اخذتموهن بامانة الله واستحللتم فروجهن بکلمة الله آورده که جمعی از جاهلان در زمان جاهلیت ازواج ابا خود را نکاح میکردند حق تعالی

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)